

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۰ دسمبر ۲۰۲۰

کدام اینها بیشتر دشمن جمهوریت اند: "غنی- روغنی" و یا "طالب"؟؟

شنبه - ۲۹ قوس ۱۳۹۹ - کابل: احتمالاً شما هم مصاحبه اخیر "روغنی" را با "رادبو صدای آزادی" شنیده اید، که گفت: «آن‌ها می‌باشند! پارلمان بگوید یا نگوید. اما این نشان می‌دهد که آن‌ها به کار شان وارد نیستند.» به این هم اکتفاء ننموده، در جریان مصاحبه علناً ادعا نمود که "ولسی جرگه" به مرکز "خرید و فروش رأی" مبدل شده از همین رو تأیید و یار د آنها هیچ نوع اعتبار و اهمیتی ندارد. در یادداشت امروز نکات چندی را در همین مورد تذکار می‌دهیم:

۱- اگر از حق نگذیریم و قضاوت ما را تابع این نسازیم که از "روغنی" و شوهرش خوش ما می‌آید و یا از آنها متنفریم، باید صادقانه بپذیریم که در گفته‌ها و ادعا های "روغنی" بخشی از حقیقت وجود دارد. آن بخش، فساد آشکار "ولسی جرگه" است که دیگر کسی از عوام و خواص نیست تا در زمینه بی اطلاع باشد و نداند که "ولسی جرگه" مرکز خرید و فروش رأی است، آنچه در این ادعا مسکوت مانده است، از یک جانب طرف مقابل است که رأی می‌خرد یعنی اعضای کابینه و از جانب دیگر، شیوع و گسترده‌گی فساد در تمام ارکان دولت دست نشانده، به خصوص "ارگ" ریاست جمهوری من جمله زن و شوهر حاکم بر ارگ یعنی "غنی و روغنی" است.

این که "ولسی جرگه" مرکز فساد است، حقیقتی است غیر قابل انکار، اما این که تنها "ولسی جرگه" مرکز فساد نیست و هر دو قوه دیگر دولت دست نشانده یعنی اجرائیه و قضائیه تا گلو در فساد غرق اند، بخش‌های دیگر حقیقت انکار ناپذیری است که کلیت ساختار مستعمراتی حاکمیت را بازتاب می‌دهد. از جمله شخص "روغنی" تا هنوز نتوانسته یک قلم اختلاس ۲۸۰ میلیون دالری اش را در قضیه دوسیه "پرموت" پاسخ بدهد، دوسیه‌های دیگر طفیل سرش.

۲- نکته دیگری که مبین عدم اعتنای شخص "غنی احمدزی" و "روغنی" به ارزش‌های فرهنگی جامعه ما و حتا مراعات ضوابط و مقررات اداری است، در هر موردی پیش‌جنگ شدن/ساختن خانم "روغنی" می‌باشد. آنهایی که در افغانستان زیسته و در حیطه فرهنگی کشور زیسته و عملکردش را عیار ساخته است، به مثابه یک قانون نانوشته این را می‌داند که در منازعات نباید همسرش را پیش‌جنگ بسازد؛ چنین حرکتی نه تنها حرمت شکنی زنان در جامعه محسوب می‌گردد بلکه در ذات خود به حیث زدن حرف آخر در آغاز مذاکره، به معنای بستن درب مذاکره نیز می‌باشد.

همچنین از لحاظ اداری، همسر یک کارمند دولت - می‌خواهد زن باشد یا شوهر در اساس با هم فرقی ندارند- در هر مقام و موقعیتی که باشد، حق دارد به مثابه یک شهروند عادی در امور سیاسی - اداری کشور ابراز نظر نماید، اما به

هیچ صورت حق ندارد، تا از موقف همسرش زبان بکشاید و چون "روغنی" حرف های بزرگتر از دهان خود بر زبان آرد و صریحاً اعلام بدارد که "ولسی جرگه" یعنی "پشم" و حرفش مساویست با "گوز خر".

۳- نکته دیگری که حتماً مهمتر از دو نکته قبلی است، ساختار حاکمیت در افغانستان است. ما می دانیم و همه روزه از طریق رسانه ها نیز تذکار می یابد که یکی از اساسی ترین اختلافات دولت دست نشانده با رقیب قدرت سیاسی اش یعنی طالب، مسأله "جمهوریت" و ادعای نظامی متشکل از سه قوه با حفظ استقلال هریک از قواء از جانب ارگ نشینان و در طرف مقابلش امارت و یا "نظام اسلامی" متمرکز بدون تفکیک و استقلال قوای ثلاثه می باشد.

حال با چنین پیش زمینه ای وقتی فردی غیر مسؤول مگر با صلاحیتی پیدا می شود و ظاهراً در مخالفت با طالب، مگر عملاً با نشخور استفراغ طالب، یکی از ارکان قوای ثلاثه را نه تنها زیر سؤال می برد بلکه آن را بی اعتبار اعلام می دارد و حرف و تصمیمش را "گوزخر" اعلام می دارد، اتخاذ چنین موضعی بیشتر از آن که توهین به یکی از اجزای حاکمیت باشد، زیر سؤال بردن تمام حاکمیت و ساختار های آن می باشد.

هموطنان گرامی!

"روغنی" با اعلام این که "ولسی جرگه" مرکز خرید و فروش رأی است و تصامیمش هیچ نوع ارزشی ندارد، تمام اعضای "ولسی جرگه" را متهم به ارتشاء و خیانت نموده است، هرگاه اعضای این طویله با حکم "روغنی" موافق نیستند، جای دارد که وی و همسر بی کفایتش را که داستان کارش به بستر خوابش انتقال می دهد، احضار نموده از آنها توضیح بخواهد. در غیر آن هر نوع سکوت ضمن آن که تأیید حرفهای "روغنی" به شمار خواهد رفت، صحنه گذاشتن بر ادعای طالب نیز تعبیر خواهد گردید.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکه ما را می طلبند!